

اشاره

تعریف و تبیین موضوع جهانی شدن

جهانی شدن، در ادبیات سیاسی-اقتصادی، واژه‌ای نو ظهور است. گرچه واژه «جهانی» بیش از چهار صد سال قدمت دارد، اما مفهوم جهانی شدن از حدود سال ۱۹۶۰ رواج عام یافته است. به گفته رابر تسون، این مفهوم تا دهه ۱۹۸۰ اعتبار چندانی نداشته و نخستین مقاله در باب جهانی شدن راوی در سال ۱۹۸۵ منتشر کرده است. (واترز، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

شاید تا سال ۲۰۰۰ شمار مقالات نوشته شده درباره این موضوع به یک عدد ۵ رقمی می‌رسید (همان منبع)، اما به سبب وجود دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگون در این زمینه، هنوز ماهیت جهانی شدن روشن نیست (مهر علی زاده، ۱۳۸۰، ص ۵۱) و هر یک از محققان به تناسب برداشت و تعریفی که خود از جهانی شدن داشته، پیشینه خاصی برای آن ذکر کرده و به گونه‌ای خاص آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

برخی معتقدند که بسیاری از نمودهای جهانی شدن، حتی از آغاز تاریخ بشر وجود داشته است، اما اخیراً شتابی ناگهانی در این روند پدید آمده است. در مقابل، بیشتر پژوهشگران، جهانی شدن را پدیده‌ای متأخر و مربوط به تحولات دو سه دهه اخیر می‌دانند.

اگر بخواهیم از برآیند تعریف‌های گوناگونی که درباره این موضوع مطرح شده است، تعریف جامعی متناسب با موضوع مورد بحث ارائه کنیم، شاید بتوان جهانی شدن را «گسترش تشابهات، پیوندها و ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان و کمرنگ شدن تأثیر قلمروهای سیاسی و قیدبندهای موضوعه در آنها» دانست.

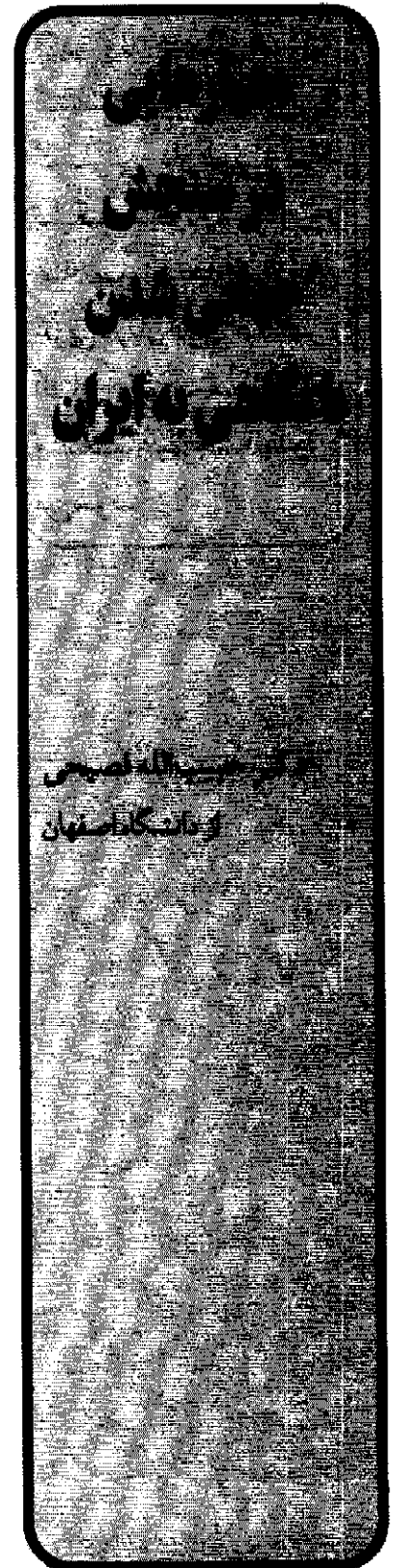
بی‌تردید، آنچه بیش از همه زمینه‌ساز فرآیند جهانی شدن و پیامدهای آن شده، تحولات جهش‌وار در فن آوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی و رایانه‌ای و بویژه پیشرفت تکنولوژی در زمینه ارتباطات الکترونیک بوده است. شبکه‌های رایانه‌ای، اینترنت، رسانه‌های ارتباط جمعی الکترونیک، تلکس، ماهواره و آسان شدن مکالمات و تماس‌های دور دست فضای تازه‌ای آفریده است. مرزهای سیاسی، دیگر در برابر عبور امواج

جهانی شدن فرآیندی پدید آمده در دو سه دهه اخیر است که آن را گسترش تشابهات، پیوندها و روابط میان مردم جهان و تضعیف اثر قلمروهای سرزمینی در این روابط تعریف کرده‌اند. معیارهای گوناگونی برای سنجش این فرآیند وجود دارد که در این مقاله سه گروه از آنها یعنی: رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد تجارت بین‌المللی و توسعه ارتباطات دوربرد مورد بررسی قرار گرفته است. آمارها نشان می‌دهد که کشور ما هنوز در آغاز راه جهانی شدن است.

سرآغاز

در ادبیات توسعه، در دهه‌های پایانی سده بیستم، واژه تازه‌ای رواج یافت و برای تعبیر و تحلیل رویدادهای تازه‌ای به کار رفت که از آن پس چون امواج فراگیر از سرچشمه شمال به سراسر جهان سرایت کرد. فرآیندی که «جهانی شدن» نام گرفته است، مبنای تحولی جدید در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع گردیده است؛ اما با وجود توجه زیادی که در سال‌های اخیر به ابعاد مختلف این فرآیند شده و تحلیل‌های بسیاری که در این زمینه صورت گرفته است، هنوز ماهیت جهانی شدن دقیقاً روشن نیست. برخی آن را تحولی مثبت و زمینه‌ساز فرصت‌هایی می‌دانند که جوامع در صورت بهره‌گیری از آنها، خواهند توانست وضع خویش را بهبود بخشند و در مقابل، بیشتر تحلیلگران، با ابراز نوعی تنفر و تأسف از جهانی شدن، آن را عامل تعمیق نابرابری‌ها، گسترش فقر و تهدید محیط زیست دانسته‌اند.

براین اساس، در این مقاله، پس از تعریف و تبیین موضوع در چارچوب مفهومی که در این متن مورد نظر است، برخی معیارهای پیشنهاد شده برای سنجش جهانی شدن کشورها تشریح شده و جایگاه کشورمان در این مسیر با توجه به هر یک از این معیارها مورد بررسی قرار گرفته است؛ صرف‌نظر از اینکه تحقق کمتر یا بیشتر هر یک از این معیارها به خودی خود منفی تلقی شود یا مثبت ارزیابی گردد.



شدن و جذب سرمایه‌های خارجی باهم رابطه مستقیم دارند؛ یعنی، به موازات تحقق بیشتر جهانی شدن، این سرمایه‌گذاری‌ها نیز افزایش خواهد یافت؛ به سخن دیگر، حجم سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند دورنمایی از موقعیت کشورها را در مسیر جهانی شدن، آشکار سازد.

در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰، میانگین رشد جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، سالانه ۱۳ درصد بود. در سال ۱۹۹۸ جریان خروجی این سرمایه‌گذاری‌ها برای هفتمین سال پیاپی افزایش یافت و به ۴۳۰ تا ۴۴۰ میلیارد دلار رسید (حاجیلی، ۱۳۷۹، ص ۷۱). همچنین متوسط سرمایه‌گذاری‌های خارجی در جهان در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ سالانه ۱۴۳ میلیارد دلار بوده که ۱۱۶/۷ میلیارد دلار آن به کشورهای توسعه یافته و ۲۴/۷ میلیارد دلار نیز به کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته است.

در سال ۱۹۹۱ مقدار سرمایه‌گذاری‌های مورد بحث در جهان ۱۵۶/۵ میلیارد دلار و برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۱۱۴/۸ میلیارد دلار و ۴۱/۷ میلیارد دلار بوده است.

در سال ۱۹۹۶، در جهان ۳۴۹/۲ میلیارد دلار، در کشورهای توسعه یافته ۲۰۸/۲ میلیارد دلار و در کشورهای در حال توسعه ۱۲۸/۷ میلیارد دلار صرف سرمایه‌گذاری خارجی شد و مقدار کل این سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۰۰ از ۸۶۵ میلیارد دلار فراتر رفت (Lo and et al, 2001, p 82).

بر این اساس سهم کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری خارجی از ۲۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است.

در کشور ما، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی عملاً متوقف ماند و در سال‌های پس از جنگ نیز رقم آن اندک بود، به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۳ در ایران فقط ۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی شد. (حاجیلی، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

برای مقایسه وضع کشورمان با چند کشور در حال توسعه، آمارهای مربوط به جذب

الکترونیک که از پس آن اندیشه‌ها، ارزش‌های فرهنگی، شیوه‌های زندگی، سرمایه‌ها، کالاها و خدمات انتقال می‌یابد، مانع جدی محسوب نمی‌شود. گویی جهان به صورت جامعه واحدی درآمده و کوچکترین تغییر در هر جزء از پیکره آن، به سرعت تمامی جامعه را متأثر می‌سازد.

در این فضای جدید، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین داشته باشد (ویلیام، ۱۳۷۹) و هر بحران در هر گوشه از دنیا ممکن است به سرعت آثار ناخوشایند خود را به اقصی نقاط جهان سرایت دهد. نمونه عینی این مسئله حوادث یازده سپتامبر در آمریکا بود که بازار جهانی نفت، بازارهای بورس و روند تجارت بین‌المللی را متأثر ساخت. گسترش ارتباطات دوربرد و پیشرفت در صنعت حمل و نقل، از «مسافت» و «مکان» مفهوم جدیدی ساخته است. این دو به همراه فن آوری اطلاعات، از راه سه «سازوکار» اصلی، بر فرآیند جهانی شدن اقتصاد اثر گذاشته است (James, 1999): موجب گسترش و تسهیل تجارت بین‌المللی شده؛ بر حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی افزوده؛ و مزیت‌های نسبی فعالیت‌های اقتصادی را دگرگون کرده است.

معیارهای سنجش جهانی شدن

در یک تقسیم‌بندی کلی، معیارها و شاخص‌های ارزیابی جهانی شدن را می‌توان به دو دسته به این شرح تقسیم کرد: (۱) معیارهایی که با آنها جهانی شدن یک کشور را در کل بررسی می‌کنند و (۲) معیارهایی که با آنها به سنجش و ارزیابی جهانی شدن یک بخش اقتصادی خاص (صنعت، معدن، کشاورزی و...) یا یک رشته فعالیت اقتصادی خاص (صنایع شیمیایی، صنایع ذوب فلز و...) و حتی به گونه جزئی‌تر، به بررسی جهانی شدن یک محصول خاص (گندم، پسته و...) می‌پردازند. هر یک از مقوله‌های دسته دوم می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی باشد؛* لذا، در این بحث تنها معیارهای دسته اول مدنظر قرار گرفته است.

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: جهانی

○ فرآیندی که «جهانی شدن» نام گرفته است، مبنای تحولی جدید در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع شده است.

جدول شماره ۱- مقدار سرمایه گذاری خارجی در ایران، در سال های ۷۲-۵۶ (میلیون ریال)

سال	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱، ۱۳۶۲	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
مقدار سرمایه گذاری	۵۲۹۱/۶	۶۲۳۵/۷	۲۶۲/۵	۰	۱۲۰۲۰	۰	۹۰۰	۱۰۷/۹	۲۲/۱	۴۰	۰	۷/۷

منبع: حاجیلی، ۱۳۷۹، ص ۷۳

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جدول شماره ۲ محاسبه شده است.)
 آورده شده است.
 سرمایه گذاری مستقیم خارجی را می توان برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورها و به عنوان معیاری دیگر، برای ارزیابی روند جهانی شدن اقتصاد مورد توجه قرار داد. این رقم برای کشور ما بسیار ناچیز و در حدود صفر بوده و برای چند کشور دیگر در سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ به این شرح برآورد شده است:
 کره جنوبی ۰/۴۸، ترکیه ۰/۶۵، هند ۰/۷۳، مصر ۰/۹، پاکستان ۰/۹۸، چین ۱/۳، تایلند ۲/۳۴، اندونزی ۳/۱، بنگلادش ۳/۱، شیلی ۵/۲، مالزی ۵/۳، سنگاپور ۱۳/۵، انگلستان ۱۸/۵ و فنلاند ۳۵/۵ (این ارقام براساس آمارهای مندرج در سالنامه آماری سال ۱۳۷۸ کشور

جدول شماره ۳ سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در تولید ناخالص داخلی دو گروه از کشورها، برحسب درصد، نشان می دهد.
 ۲- گسترش تجارت بین المللی: اندازه حضور و نقش پذیری هر کشور در فرآیند جهانی شدن تابع سهم آن کشور در تجارت جهانی است. در واقع، رشد تجارت جهانی، عینی ترین وجه جهانی شدن است.
 از سال ۱۹۵۰ به بعد، تجارت بین المللی با سرعتی فزاینده تر و بیش از تولیدات جهانی، گسترش یافته است. در این روند، همواره سهم بیشتری از تولیدات هر کشور به عرصه تجارت وارد می شود. عوامل بسیار، از جمله گفتگوهای دوره های مختلف گات و کاهش تعرفه های

جدول شماره ۲- آمار سرمایه گذاری خارجی در ایران و چند کشور دیگر

(ارقام به میلیون دلار)

کشور	سال	میانگین سالانه ۸۸-۸۲	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
ایران*	۷۲	-۱۹	-۳۶۲	۲۳	-۱۷۰	۵۰	-۱۰	۳۰	۱۰		
مصر*	۹۵۹	۱۲۵۰	۷۳۲	۲۵۳	۴۵۹	۴۹۳	۱۲۵۶	۱۰۰۰			
لیبی*	۷۰	۱۲۵	۱۵۹	۱۶۰	۱۵۰	۱۶۰	۸۰	۹۰			
عربستان*	۱۶۲۵	۶۵۴	۱۸۶۴	۱۶۰	-۷۹	۱۳۶۹	۱۲۴۱	۸۹۰			
مالزی*	۷۳۱	۱۶۶۸	۲۳۳۳	۳۹۹۸	۵۱۸۳	۵۰۰۶	۴۳۴۸	۵۸۰۰	۵۳۰۰		
اندونزی*	۳۴۱	۶۸۲	۱۰۹۳	۱۴۸۲	۱۷۷۷	۲۰۰۴	۲۱۰۹	۴۵۰۰	۷۹۶۰		
ونزوئلا*	۵۰	۲۱۳	۴۵۱	۱۹۱۶	۶۲۹	۳۷۲	۷۶۴	۴۵			
آرژانتین*	۵۱۲	۱۰۲۸	۱۸۳۶	۲۴۳۹	۴۱۷۹	۶۳۰۵	۱۲۰۰	۳۹۰۰			
بنگلادش**				۲۵/۲	۵۲/۲	۸۰۴/۲	۷۲۹/۶	۹۱۵/۶	۱۰۵۴	۳۳۶۴/۴	
شیلی**	۲۰۰۰	۵۰۰								۴۴۰۰	
ترکیه**	۳۴۰			۸۱۰	۸۴۴	۶۳۶	۶۰۸	۸۸۵	۱۱۱۶		
کره جنوبی**	۷۰۵			۱۱۸۰	۷۲۷	۵۸۸	۸۰۹	۱۷۷۶	۲۳۰۸		

منابع: * Thomas, 1997, p 163

** کازرونی، ۱۳۷۷، (برای این گروه متوسط سالانه برای سال های ۱۹۸۵-۹۰ محاسبه شده است)

سال	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
جهان	۰/۲۴	۰/۵۷	۰/۷۵	۰/۸۵	۱	۰/۹۸	۰/۶۸	۰/۷	۰/۸	۰/۹۵	۱/۰۸
کشورهای در حال توسعه	۰/۴۳	۰/۳۸	۰/۳۵	۰/۵	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۸	۰/۹	۱/۵۳	۱/۷	۱/۶۵
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	۰/۴۵	۰/۶	۰/۹	۰/۹۲	۱/۱۳	۱/۰۷	۰/۴۵	۰/۴	۰/۳۵	۰/۷	۰/۹

منبع: جلالی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷

حدود ۰/۳۶ درصد بوده است (بیطرف، ۱۳۸۰، ص ۱۰)؛ حال آنکه سهم کره جنوبی به حدود ۳/۵ درصد رسیده است (Torres, 1999, p13).
جدول شماره ۴ سهم ایران را از تجارت جهانی و از جمعیت جهان در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ نشان می‌دهد.

برآورد می‌شود که نزدیک به یک درصد جمعیت جهان در ایران به سر می‌برند اما سهم کشور ما از تجارت جهانی حدود یک سوم این مقدار است.

جدول شماره ۵ مقایسه‌ای است برای ارزیابی سهم دو گروه از کشورهای و نیز چند کشور

حمل و نقل در این زمینه مؤثر بوده است. دیگر اینکه، فرآیند صنعتی شدن از انحصار کشورهای پیشرفته خارج شده و در واقع، امروزه دنیا به یک کارخانه جهانی تبدیل شده و نوع دیگری از تقسیم بین‌المللی کار موجود آمده است که در آن، هر کشور به عنوان بخشی از سیستم جهانی، ناگزیر است هم وارد کننده تولیدات جهانی باشد و هم صادر کننده محصولات (هریس، ۱۳۸۰، ص ۸۳).

ارزش مبادلات تجاری در جهان در سال ۱۹۹۹ حدود ۶ هزار میلیارد دلار برآورد شده است که سهم ایران از این مبادلات بسیار ناچیز و

جدول شماره ۴

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
سهم از تجارت جهان (درصد)	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۴۶	۰/۴	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۲۵	۰/۳۶
سهم از جمعیت جهان (درصد)	۰/۹	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۷	۱	۱/۰۲	۱	۰/۹۹	۰/۹۹

منابع: سالنامه آماری کشور سال‌های ۱۳۷۵، ۷۸ و گزارش اقتصادی اقتصادی سال ۷۸ کشور

جدول شماره ۵

کشور یا گروه کشورها	کشورهای پیشرفته	کشورهای حال توسعه	ایران	ترکیه	پاکستان	چین جنوبی	گروه جنوبی	بنگلادش	اندونزی	سنگاپور	تایلند	مالزی
سهم از تجارت جهانی (درصد)	۶۶	۳۴	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۱۷	۲/۶۳	۲/۳	۰/۲۲	۰/۹۴	۲/۳	۱	۱/۴
سهم از جمعیت جهان (درصد)	۲۳	۷۷	۱/۰۲	۱	۲	۲۰	۰/۸	۲/۲	۳/۱۷	۰/۰۵	۱	۳/۱۶

منبع: لیزرگر، ۱۳۷۵، ص ۳۲۰

ایران	مصر	هند	بنگلادش	چین	ایالات متحده آمریکا	انگلستان	سنگاپور	ژاپن	آلمان	فرانسه	فنلاند	کره
۱۸/۴	۱۰/۲	۳/۹	۷	۸/۳	۱۹/۹	۲۸/۱	۶۹/۱	۲۱/۳	۵۵	۴۶/۳	۶۹/۲	۶۹/۲

منابع: (۱) بی طرف، ۱۳۸۰، ص ۱۱.

(2) Torres, 1999, p.11

جدول شماره ۷

سال	گروه کشورهای	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶
	کشورهای در حال توسعه	۳۶	۳۴/۵	۳۷	۳۲	۳۱/۵	۴۲/۵	۴۳
	کشورهای پر درآمد عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۵	۲۷	۳۰	۳۵/۵	۳۶

اقتباس از جلالی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۹

کاهش میزان تعرفه‌ها و محدودیت‌های بازرگانی کالا، از آن رو که سبب تسهیل واردات و صادرات کالا و تقویت تجارت خارجی می‌شود، اقدامی در راه گشایش بازر داخلی و گامی به سوی جهانی شدن است.

یکی از اهداف مهم گات و سازمان تجارت جهانی، کاهش یا حذف تعرفه‌های گمرکی از جریانه‌های تجاری بین‌المللی بوده است. میانگین نرخ تعرفه‌ها در کشورهای در حال توسعه در اواسط دهه ۱۹۸۰، حدود ۳۴ درصد بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به ۲۴ درصد کاهش یافت و این کشورها متعهد شدند که تا سال ۲۰۰۴ این نرخ را به ۱۴ درصد برسانند. کاهش نرخ تعرفه‌ها به میزان ۲۰ درصد در ۲۰ سال بسیار چشمگیر است، اما این در واقع متوسط نرخ تعرفه‌ها در جهان صنعتی در یک سده گذشته است (جلالی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۸). متوسط ساده تعرفه گمرکی در ایران حدود ۳۲/۴ درصد است (رازینی، ۱۳۷۷، ص ۴۵) که حتی نسبت به کشورهای در حال توسعه، رقم بالایی است و شاید یکی از موانع بازرگانی خارجی کشور همین باشد.

در کره جنوبی، از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۶ تعرفه‌های گمرکی از ۳۸ درصد به ۸ درصد

منتخب، از جمعیت و تجارت جهانی در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶.

سهم تجارت کالا در مجموع تولید ناخالص داخلی یک کشور را نیز به عنوان شاخصی دیگر می‌توان به کار برد. در سال ۱۹۱۳ صادرات کالا و خدمات ۸/۷ درصد تولید جهانی را در بر می‌گرفت که این نسبت در سال ۱۹۷۳ به ۱۲/۱ درصد و در سال ۱۹۹۰ به ۴۵ درصد رسید (بیطرف، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

جدول شماره ۶ ارزش تجارت کالا بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی را در چند کشور نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷ هم نشان دهنده سهم تجارت در تولید ناخالص دو گروه از کشورهاست.

با گذشت زمان، سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی کشورها فزونی یافته است که می‌توان آن را نشانه تحقق بیشتر فرآیند جهانی شدن دانست. ارقام نشان دهنده سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی کشور ما از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ به ترتیب ۱۸/۴ درصد، ۱۷/۵ درصد، ۲۰/۸ درصد، ۱۸/۴ درصد، ۱۲/۸ درصد و ۱۹/۷ درصد بوده است که در ۶ سال تغییر چندانی نداشته است. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹، ص ۲۰)

شمار گیرنده‌های رادیو از ۵۷ میلیون دستگاه در سال ۱۹۵۶ به رقم ۲۰۰۸ میلیون دستگاه در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته و تعداد گیرنده‌های تلویزیون در این مدت از ۷۵ میلیون دستگاه به ۱۰۹۶ میلیون دستگاه رسیده است؛ یعنی، یک دستگاه رادیو برای ۳ نفر و یک دستگاه تلویزیون برای ۶ نفر از ساکنان کسره زمین (Scholte, 2000, p86). به عبارت دیگر، در سال ۱۹۹۴ برای هر هزار نفر ۳۳۵ دستگاه رادیو و ۱۸۲ دستگاه تلویزیون وجود داشته است.

جدول شماره ۸ تعداد گیرنده‌های رادیو و تلویزیون را برای هر هزار نفر در سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد.

در ایران، در سال ۱۳۷۵، حدود ۳۴ درصد خانوارها دستکم یک دستگاه تلویزیون رنگی و بیش از ۵۰ درصد آنها دستکم یک دستگاه تلویزیون سیاه و سفید داشته‌اند؛ همچنین، ۷۲ درصدشان دستکم دارای یک دستگاه رادیو بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷، ص ۷۵). اکنون همه جای کشور زیر پوشش فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی است و کمتر خانواده‌ای است که به این رسانه‌ها دسترسی نداشته باشد، اما استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای تصویر قانونی نیست.

از دیگر شاخص‌های مهم، شمار خط‌های تلفن (ثابت و همراه) به ازاء تعداد مشخصی از جمعیت است. تلفن می‌تواند امکان ارتباط مستقیم و فوری را با جاهای دوردست جهان پدید آورد و ارتباط از طریق آن، بی‌هرگونه مانع و محدودیتی، فراتر از مرزهای سیاسی و قلمروهای سرزمینی می‌رود.

شمار خطوط تلفن ثابت در جهان از ۱۵۰

رسیده که در اثر آن، صادرات این کشور از ۳/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ به ۱۲۷/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ و واردات آن نیز از ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ به ۱۱۳/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است (Torres, 1999, p11). در بنگلادش نیز میانگین تعرفه‌های گمرکی بر واردات از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۶/۸ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است که در نتیجه، در آن دوره زمانی، واردات بنگلادش از ۱۴ میلیارد دلار به ۲۳ میلیارد دلار و صادرات آن از ۶ میلیارد دلار به ۱۶/۵ میلیارد دلار افزایش یافته است.

(Paratian and Torres, 2001, p18)

۳. گسترش ارتباطات دوربرد: گسترش ارتباطات دوربرد و کیفیت دسترسی کشورها به آن یکی از وجوه تعیین کننده جهانی شدن است، زیرا می‌تواند سبب گسترش مناسبات و پیوندها میان ملت‌ها شود؛ از این رو، پژوهشگران نقش آن را از جنبه‌های گوناگون در چگونگی گرایش کشورها به روند جهانی شدن، مورد بررسی قرار داده‌اند.

دسترسی افراد و خانواده‌ها به رادیو و تلویزیون از جمله این معیار است. در این زمینه گفته می‌شود که بی‌تردید، هیچ رسانه‌ای به اندازه رادیو و تلویزیون نتوانسته منشأ تحولات فرهنگی و اجتماعی گردد و تغییرات ریشه‌دار و سریع در الگوهای مصرف، شیوه‌های زندگی و اندیشه، نگرش‌ها و آداب اجتماعی پدید آورد؛ تا جایی که بسیاری بر این باورند که جوامع تحت تأثیر این رسانه به سوی همگونی، همگرایی و متحدالشکل شدن پیش می‌روند و این خود در گسترش پیوندها و ارتباطات میان جوامع که همانا «جهانی شدن» نامیده می‌شود، مؤثر است.

جدول شماره ۸

کشور	کل جهان	ایران	ژاپن	مالزی	کره جنوبی	بوزنل	سنگاپور	آرژانتین	مکزیک
رادیو	۴۰۰	۵۰۰	۹۱۱	۴۳۰	۱۰۱۳	۳۹۰	۶۴۴	۶۷۲	۲۵۵
تلویزیون	۲۲۰	۲۵۰	۶۱۸	۱۵۱	۲۱۵	۲۰۹	۳۸۱	۲۲۰	۱۵۰

* برآورد نگارنده

منبع: Lo and Marcotullio, 2000, p 86

○ ماهیت جهانی شدن هنوز به درستی روشن نیست؛ برخی آن را تحولی مثبت و زمینه‌ساز فرصت‌هایی می‌دانند که جوامع، در صورت بهره‌گیری از آنها، خواهند توانست موقعیتشان را ارتقاء بخشند و در برابر، بیشتر تحلیل‌ها با نوعی ابراز تنفر و تأسف از جهانی شدن، آن را عامل تعمیق نابرابریها، گسترش فقر و تهدید محیط‌زیست دانسته‌اند.

ارقام این جدول نشان می‌دهد که تعداد مکالمه‌ها با خارج در مدت ۸ سال به ۴ برابر افزایش یافته است.

تعداد کاربران اینترنت نسبت به تعداد معینی از جمعیت نیز از ملاک‌هایی است که برخی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. این شبکه الکترونیک جهان گستر در دهه اخیر در واقع انقلابی در عرصه اطلاع‌رسانی پدید آورده است. با بهره‌گیری از این پدیده، امکان ارتباط متقابل هم‌زمان برای میلیون‌ها نفر پدید آمده و جهان به معنای واقعی کوچک شده است.

شمار کاربران اینترنت از رقم صفر در سال ۱۹۸۵ به ۱۸۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است (Scholte, 2000, p86) و اکنون برای هر هزار نفر در جهان، حدود ۳۵ کاربر اینترنت وجود دارد.

جدول شماره ۱۱ شمار کاربران اینترنت را برای هر ده هزار نفر جمعیت نشان می‌دهد.

با توجه به جدول، می‌توان گفت که رقم

میلیون خط در سال ۱۹۶۵ به ۸۵۱ میلیون در سال ۱۹۹۸ رسیده و نیز از سال ۱۹۶۵ تا سال ۱۹۹۸ تعداد ۳۰۵ میلیون خط تلفن همراه پدید آمده است. امروزه برای هر هزار نفر جمعیت جهان به طور متوسط ۲۰۰ خط تلفن وجود دارد. (Scholte, 2000, p86).

در ایران نیز در سال ۱۳۷۹ به ازاء هزار نفر ۱۴۴ خط تلفن وجود داشته است (بشیری، ۱۳۷۹، ص ۵۰).

جدول شماره ۹ تعداد خط‌های تلفن را به ازاء هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد.

در فرآیند جهانی شدن، اصل بر این است که ارتباطات ملت‌ها فراتر از قلمروهای سرزمینی، به سادگی و به گستردگی صورت پذیرد؛ بنابراین آمار تماس‌های تلفنی با خارج می‌تواند یکی از شاخصه‌های تحقق فرآیند جهانی شدن باشد.

(جدول شماره ۱۰ - آمار گفتگوهای تلفنی با خارج از کشور از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۸)

○ جهانی شدن و جذب سرمایه‌های خارجی با هم رابطه مستقیم دارند؛ یعنی، هر چه «جهانی شدن» بیشتر تحقق یابد، این سرمایه‌گذارها نیز افزایش می‌یابد؛ به سخن دیگر، حجم سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند دورنمایی از موقعیت کشورهای ارادرسیر جهانی شدن آشکار سازد.

جدول شماره ۹

کشورهای در حال توسعه	ایران*	ژاپن	سنگاپور	کره	فیلیپین	چین	آرژانتین	برزیل	مکزیک
۱۹/۷	۹۹	۹۸۰	۴۷۳	۳۹۷	۱۷	۲۳	۱۴۱	۸۱	۹۳

منابع: * (۱) سالنامه آماری سال ۱۳۷۸ کشور

(2) Lo and Marcotullio, 2000, p 87

جدول شماره ۱۰

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تعداد دفعات مکالمه با خارج (ارسانی و دریافتی) (هزار بار)	۱۹۱۷۵	۵۸۱۶۶	۶۰۳۲۰	۶۶۸۵۱	۷۹۱۳۲	۹۷۳۵۰
نسبت تعداد مکالمه با خارج به جمعیت کشور	۰/۳۵	۱/۰۷	۱/۰۱	۱/۰۹	۱/۲۹	۱/۵۶

منبع: محاسبه از روی آمارهای سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۷۸، ص ۴۹۶

جدول شماره ۱۱

جهان	قاره اقیانوسیه	قاره آمریکا	قاره اروپا	قاره آسیا	قاره آفریقا	ایران
۵۸۷	۲۵۳۹	۱۵۰۴	۱۲۶۶	۳۲۴	۵۲	۲۷

منبع: شهابی، ۱۳۸۰، ص ۱۰

مربوط به ایران حتی از میانگین قاره آفریقا پائین تر است و به حدود ۱۵ درصد شاخص جهانی می‌رسد.

از معیارهای دیگر برای ارزیابی گرایش کشورها به روند جهانی شدن مسافرت‌های برون‌مرزی است که بیش از هر چیز، بر اثر پیشرفت‌های حمل و نقل هوایی، تعدیل مقررات رفت و آمد به کشورها و بهبود شرایط کار و درآمد، افزایش یافته است. گردشگران، دانشجویان، نیروی کار، گروه‌های ورزشی، بازرگانان، هیأت‌های سیاسی و متخصصان بخش بزرگی از مسافران خارجی را تشکیل می‌دهند.

در سال ۱۹۸۰ به طور متوسط روزانه یک میلیون نفر از مرزهای کشورشان بیرون رفته‌اند که این رقم در سال ۲۰۰۰ یعنی ۲۰ سال بعد، به ۳ میلیون نفر رسیده است. (لیپیگر، ۱۳۷۵، ص ۳۲۰). آمار مسافرت‌های خارجی (ورود و خروج) کشور در چند سال به شرح جدول شماره ۱۲ است.

شاخص نسبت مسافرت‌های خارج از کشور به جمعیت، ظرف سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ بیش از ۱۰ برابر رشد داشته است، همچنین در سال ۱۳۶۵ حدود ۰/۳۲ درصد مسافرت‌های برون‌مرزی جهان مربوط به

ورود و خروج به ایران بوده و این رقم در سال ۱۳۷۸ به حدود ۰/۷۵ درصد رسیده که با توجه به سکونت یک درصد جمعیت جهان در ایران، می‌رساند که مسافرت‌های برون‌مرزی در ایران هنوز از متوسط جهانی فاصله بسیار دارد.

و بالاخره آخرین شاخص مورد بررسی در این مقوله نسبت تعداد گردشگران به جمعیت کشورهاست. افزایش این نسبت نشان دهنده ارتباطات بیشتر ملت‌ها و یکی از نمودهای عینی فرآیند جهانی شدن است. شمار جهانگردان در جهان در سال ۱۹۹۷، ۶۱۷ میلیون نفر اعلام شده است؛ بنابراین، شاخص جهانی رقمی در حدود ۰/۸ است.

جدول شماره ۱۳ تعداد جهانگردان وارد شده به ایران و شاخص نسبت تعداد جهانگردان به جمعیت کشور را نشان می‌دهد.

در کشور ما تعداد جهانگردان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸، ۱۴ برابر شده و شاخص مربوط به آن نیز در این مدت حدود ۱۰ برابر رشد داشته است، اما شاخص مربوط به ایران حدود یک بیستم شاخص جهانی است. دیگر اینکه، سهم ایران از تعداد جهانگردان دنیا، فقط ۰/۰۴۶ درصد و از درآمدهای جهانگردی حدود ۰/۰۶ درصد برآورد شده است. (سرلک،

○ مرزهای سیاسی دیگر در برابر امواج الکترونیکی که از پس آن اندیشه‌ها، ارزشهای فرهنگی، شیوه‌های زندگی، سرمایه‌ها، کالاها و خدمات انتقال می‌یابد، مانع جدی محسوب نمی‌شود. گویی جهان به صورت واحدی درآمده و کوچکترین تغییر در هر جزء از پیکره آن به سرعت همه جامعه را متأثر می‌سازد. در این فضای جدید، حوادث و تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول شماره ۱۲

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تعداد مسافرت‌های وارد و خارج شده از کشور (هزار مسافر)	۹۵۸	۱۳۹۱	۱۷۶۳	۲۳۳۷	۳۴۹۸	۱۳۴۱۵	۱۶۱۷۱
نسبت مسافرت خارج به جمعیت کشور	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۲۲	۰/۲۶

منبع: سالنامه‌های آماری کشور، سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۸

جدول شماره ۱۳

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تعداد جهانگردان (هزار نفر)	۸۶	۲۴۹	۲۷۳	۷۶۴	۱۰۰۸	۱۳۲۱	۱۳۲۱
نسبت تعداد جهانگردان به جمعیت ایران	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۲	۰/۰۲

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۷۸ کشور

بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، صص ۳۴۸-۳۵۹.

- حاجیلی، معصومه (۱۳۷۹): «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، نشریه زوند، شماره ۲۷ و ۲۸، ص ۷۱.

- رازینی، علی (۱۳۷۷): «مجموعه روش‌های کاهش تعرفه در اقتصاد ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۴۵.

- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹): گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸ کشور، صص ۱-۳۶.

- سرلک، احمد (۱۳۷۹): «صنعت گردشگری و ۵۰ سال برنامه‌ریزی در ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۸-۱۵۷، صص ۲۲۸-۲۲۶.

- کازرونی، علی (۱۳۷۷): «جهانی شدن اقتصاد و راهبرد جانشینی واردات»، مجموعه مقالات نخستین همایش برنامه سوم توسعه کشور، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه.

- لیبزیگر، دنی (۱۳۷۵): توسعه تجارت در شرق آسیا (مجموعه مقالات)، ترجمه غلامعلی فرهادی، سازمان برنامه و بودجه، ص ۳۲۰.

- مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری کشور، سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۵.

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷): سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ کل کشور.

- مهرعلی‌زاده، یدالله (۱۳۸۰): «جهانی شدن، فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۸، ص ۵۱.

- واترز، مالکوم (۱۳۷۹): جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیلوش مرادی، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ص ۱۰.

- ویلیام، مارك (۱۳۷۹): «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۲-۱۱۱، صص ۱۵۵-۱۵۶.

- هریس، تاجیل (۱۳۸۰): «شهرها در اقتصاد جهانی»، ترجمه حبیب‌الله فصیحی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۶، تابستان ۸۰، ص ۸۳.

- James Jeffery (1999): *Globalization, Information Technology and Development*, St-Martin's Press, INC, New York.

- Lo Fu. Chen and Peter. J. Marcoullio (2000): "Globalization and Urban Transformation in

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل آمارهای مربوط به ایران در زمینه معیارهای مطرح شده برای ارزیابی اینکه کشور تا چه حد به سوی روند جهانی شدن گرایش یافته است و نیز بررسی‌های تطبیقی در این مورد روشن می‌سازد که کشور ما در واقع هنوز در آغاز راه است. اگر نتوان گفت که جهانی شدن امری اجتناب‌ناپذیر است، دست کم می‌توان پذیرفت که کناره‌گیری و پرهیز از تأثیرهای آن، به لحاظ عوارض سنگینی که در پی خواهد داشت، امری پسندیده و سزاوار نیست، چنان‌که پیشتر معیارهای مورد بحث در این نوشتار نیز از شاخص‌های توسعه‌یافتگی به شمار می‌آید. البته جهانی شدن را نباید صددرصد مساوی و معادل توسعه‌یافتگی دانست. از این رو، شایسته است که در یک حرکت پویا و با برنامه‌ای سنجیده، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه با شرایط تازه‌ای که در جهان پدید آمده یا در حال شکل‌گیری و تکوین است، انطباق یابد تا امکان بهره‌گیری از فرصت‌هایی که پدید می‌آید، فراهم شود. از سوی دیگر، باید دانست که این حرکت می‌تواند دست کم در کوتاه مدت پیامدهای منفی نیز داشته باشد؛ بنابراین روند همگامی با آن باید با در نظر گرفتن همه جنبه‌های مثبت و منفی باشد.

* نمونه‌ای از این بررسیها در مجله اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۴۶، پائیز ۱۳۷۹ مطرح شده است.

منابع

- بشیری، جواد (۱۳۷۹): «بست الکترونیک و اشاعه اطلاعات»، مجله علوم اطلاع‌رسانی، شماره ۳ و ۴، ص ۵۰.

- بی‌طرف، منصور (۱۳۸۰): «آیا ایران می‌تواند به راحتی وارد بازار جهانی شود؟»، مجله بورس، شماره ۲۵، صص ۱۱-۱۲.

- جلالی، جلال‌الدین (۱۳۷۷): «جهانی شدن اقتصاد؛ مفهوم و پیامدهای اقتصادی اجتماعی آن»، مجموعه مقالات نخستین نمایشگاه بازرگانی و تجارت

○ اکنون دیگر فرآیند صنعتی شدن از انحصار کشورهای پیشرفته خارج شده و در واقع، دنیا به یک کارخانه جهانی تبدیل گردیده و نوع تازه‌ای از تقسیم بین‌المللی کار پدید آمده است که براساس آن، هر کشور به عنوان بخشی از سیستم جهانی، ناگزیر است هم‌واردکننده تولیدات جهانی باشد و هم صادرکننده محصولات.

INC, USA, pp 86-88.

- Thomas Caroline (1997), and peter Wilkin; **Globalization and the South**, Macmillan Press Ltd, p163.

- Torres Reymond (1999); **Studies of Social Dimentions of Globalization in Republic of Korea**, International Labour Office, Geneva, pp 11-13.

the Asia - Pacific Region", **Urban Studies**, Vol 37, No1, pp 82-87.

- Paratian Rejendra and Reymond Torres (2001); **Studies of Social Dimentions of Globalization in Bangladesh**, International Labour Office, Geneva, p18.

- Scholte Jan Aart (2000); **Globalization, A Critical Introduction**, ST. Martin's Press,

○ اندازه حضوری

نقش پذیری هر کشور در
فرآیند جهانی شدن تابع سهم
آن کشور در تجارت جهانی
است. در واقع، رشد
تجارت جهانی، عینی ترین
وجه جهانی شدن است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی